روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۳۰ مرداد ۱۴۰۳ | ۱۵ صفر ۱۴۴۶ | ۲۰ آگوست ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۴۱۱۴ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

| ۱۱۸۹ سال و ۳۳۱ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4114 | TUE.AUG.20, 2024 | ISSN:2008-2886

به بهانه دهمین سالگرد درگذشت اکبر خواجویی خالق برخی از ماندگارترین سریال‌های سیما

نوستالژی پدرسالاری

صفحه ۸

رونمایی از تندیس بیتا فرهی و نبود تشابه در مجسمه و چهره این هنرمند

این من نیستم

صفحه ۸

ضربه به روح و روان صهیونیست‌ها با عملیات استشهادی یکشنبه‌شب حماس و جهاد اسلامی

تل‌آویو بی‌دفاع

بلینکن صدای انفجار تل‌آویو را شنید؟

گروه بین‌الملل: اسرائیل مدعی بود با برخورداری از مجهزترین ارتش منطقه در کنار لایه‌های متعدد پدافندی و سرویس‌های پیچیده اطلاعاتی، به امنیتی نفوذناپذیر بویژه در تل‌آویو دست یافته است ولی عملیات استشهادی یکشنبه‌شب در قلب تل‌آویو، یک بار دیگر ثابت کرد مرکزیت سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی یعنی نقطه صفر عمق راهبردی آن، هرگز امن نبوده و مقاومت همانند عملیات پهپادی ماه گذشته یمنی‌ها، هر گاه اراده کند به آن ضربه وارد می‌کند. صدای انفجاری که در یک خودروی در حال حرکت در خیابان هالخی رخ داد نه فقط در خود تل‌آویو، بلکه در سراسر جهان شنیده شد و همراه با موج انفجار، پیام آن هم به سران صهیونیست و حامیان‌شان در واشنگتن ارسال شد که اگر قرار بر جنگ و ترور باشد، آنها نیز در امان نخواهند بود. به گزارش رویترز، این انفجار تنها حدود یک ساعت پس از سفر آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا به تل‌آویو انجام شد. رژیم صهیونیستی در شرایط جنگی قرار دارد و سفر وزیر خارجه دولت بایدن طبعا عاملی بود تا وضعیت امنیتی در سرزمینی‌های اشغالی بویژه تل‌آویو، در بالاترین سطح قرار داشته باشد. اسرائیلی‌ها همواره مدعی بوده‌اند پیچیده‌ترین و دقیق‌ترین سرویس‌های امنیتی و جاسوسی را دارند اما در کمتر از یک ماه شین‌بت (آژانس امنیت داخلی رژیم) به همراه سایر نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی، عجز خود را از خنثی کردن تهدیدهای متحرک هوایی و زمینی در ارگ حاکمیتی صهیونیست‌ها به نمایش گذاشته‌اند. همان‌طور که پهپاد یمنی ناگهان از دل دریا بیرون آمد و با هدفی از پیش تعیین شده به نزدیک‌ترین نقطه ممکن به مقر وزارت جنگ رژیم برخورد کرد...

ادامه در صفحه ۷

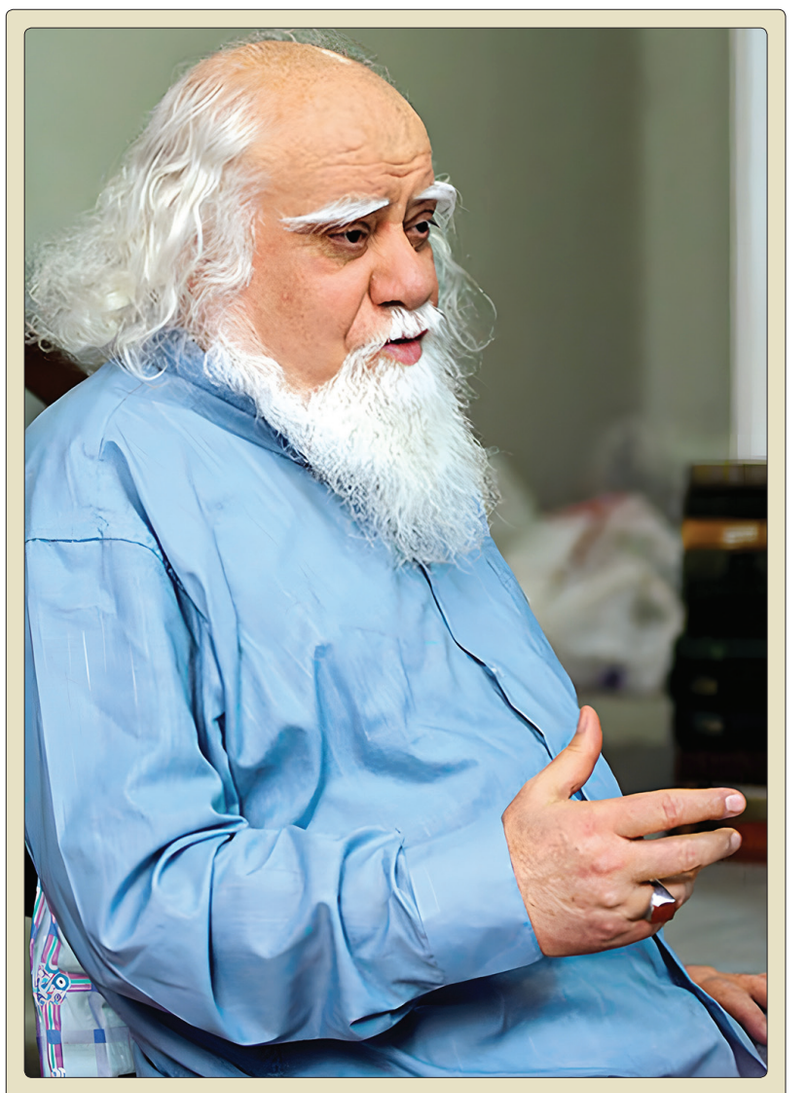

عدالت اقتصادی در منظومه فکری علامه محمدرضا حکیمی در گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمدرضا آرمان‌مهر

عدالت یا مساوات؟

صفحه ۵

تیترهای امروز

افشاگری‌های جدید مقام سابق سعودی: بن‌سلمان با جعل امضا به یمن حمله کرد می‌خواست ملک‌عبدالله را ترور کند

در اندرونی بن‌سلمان

صفحه ۷

ماجرای تتوی موهن روی پای بازیکن میلیاردی باشگاه فرهنگی - ورزشی استقلال

قابل توجه علی‌عسکری!

صفحه ۶

گزارش «وطن امروز» از ضعف محسن پاک‌نژاد در ارائه برنامه راهبردی و همه‌جانبه

نفت وزیر می‌خواهد

صفحه ۳

گزارش «وطن امروز» از روز سوم بررسی صلاحیت وزرای پیشنهادی دولت چهاردهم

نگاه بهارستان به کارنامه

صفحه ۲

یادداشت روز

آیا نسبت به اندیشه‌های «علامه حکیمی» فضای نقادانه‌ای به وجود آمده است؟

حرکت به سمت وضع مطلوب

[ابوالفضل مجاهد]

مرحوم محمدرضا حکیمی را فقیه، مجتهد، فیلسوف، متفکر و... می‌خوانند اما از همه مهم‌تر مفهومی که می‌توان مرحوم حکیمی را با آن شناخت، مفهوم معترض به وضع موجود است. معترض به وضع موجود را صرفا نباید به امر سیاسی رایج یا آنگونه که در ساحت ژورنالیسم به آن می‌پردازند درک کنیم. انسان وقتی در این جهان هستی قرار می‌گیرد وضعیتی دوگانه و ابهام‌آور دارد. وضعیتی دارد که او را در شرایط بی‌قراری قرار می‌دهد و او را از وضعیت استقرار دور می‌کند. انسان هرچه برای استقرار تلاش می‌کند، به همان نسبت بی‌قرارتر می‌شود و هر چه به بی‌قراری خود می‌اندیشد، احساس عدم امنیت وجودی پیدا می‌کند.

علامه حکیمی از معدود متفکران معاصر در ایران و جهان اسلام بود که یک دغدغه یا یک پرسش در نسبت با وضع انسانی در ۲ ساحت استعلایی و ساحت موجود - یعنی وضعی که انسان در آن قرار گرفته - داشت.

پروژه الحیات که همراه ۲ برادرش نگاشته شد، به دنبال پرسش «چه باید کرد؟» آغاز شد و اعتراض به وضع موجود او را به سمت ترسیم وضع مطلوب سوق داد. شاید هر کسی وضع مطلوبی را که او ترسیم می‌کند قبول نکند. بحث الان بر سر این نیست که آیا آنچه او به عنوان وضع مطلوب ترسیم کرد یا نقشه راه رسیدن به وضع مطلوب او دقیق و درست بود یا نه اما این را نمی‌توان کتمان کرد که او یک چشم‌انداز پژوهشی داشت و از این چشم‌انداز به تراث و به آثاری که امروز در جهان معاصر در نحله‌های گوناگون وجود دارد، نیم‌نگاه عمیقی داشت و با آنها گفت‌وگو می‌کرد.

او در جلد ۷ و ۸ الحیات به مسؤولیت‌های انسان در قبال جامعه پرداخته است. او بر مبنای جهان‌بینی توحیدی که از تراث درک کرده، کوشیده است مسؤولیت‌های انسان را در قبال جامعه تشریح کند. نکته جالبی که در نگاه علامه حکیمی وجود دارد این است که قواعد و احکام دینی صرفا نیامده‌اند که به انسان بدون توجه به وضع انسان در جامعه یا دوره‌ای که زندگی می‌کند، راه فلاح فردی را نشان دهند و انسان با آن به یک میانبر فرعی برای نجات برسد. مفهوم فلاح در نگاه قرآنی با مسؤولیت‌های انسان در قبال آن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، قرین است.

اگر انسان در جامعه‌ای زندگی می‌کند که آن جامعه در وضعیت فقر تبعیض‌آور و فقر شکننده باشد، انسان یقینا در چنین جامعه‌ای فلاح فردی نخواهد داشت و کسانی که خود را از این ورطه کنار می‌کشند، راه فلاح را پیدا نکرده‌اند، بلکه راه میانبر آنها را به فلاح نخواهد رساند. اینجاست که علامه حکیمی مفهوم منهای فقر را مطرح می‌کند.

دل‌نگرانی و التفات علامه حکیمی به زیست انسانی بود. زیست انسانی در جامعه کنونی زمانی ممکن است که جامعه به سمت ساختاری منهای فقر در تمام ساحات از جمله فقر فرهنگی، آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و... حرکت کند. آنجاست که حیات و زندگی ممکن خواهد شد. حیات انسانی زمانی زیست انسانی تلقی خواهد شد که جامعه به سمت وضع منهای فقر حرکت کند. با این وجود و با اذعان به نکات برجسته‌ای که در تفکر مرحوم حکیمی وجود دارد، اندیشه هیچ متفکری خالی از انتقاد نیست و نقدهای مختلفی به ساحت‌های اندیشه ایشان توسط افرادی مختلف وارد شده است.

مساله نقد آثار ایشان آنجایی بیشتر اهمیت می‌یابد که در سال‌های اخیر، بسیاری از گروه‌های عدالت‌خواه داخلی سعی داشته‌اند اندیشه‌های علامه حکیمی را بیش از پیش گسترش دهند. اتصال به برخی دوگانه‌های نظری میان عدالت با سایر مقوله‌ها و استفاده ابزاری از نام علامه حکیمی در مواجهه با برخی ایده‌های اصلی انقلاب اسلامی، فضای خاکستری را برای بسیار از عدالت‌پژوهان به وجود آورده است. یکی از مهم‌ترین انتقادهای مطرح‌شده به اندیشه‌های علامه حکیمی موضوع «اصالت اقتصاد» است. تبدیل موضوعات اقتصادی به دال فکری منظومه اندیشه‌های اسلامی، خود جای بحث دارد. در نگاه حکیمی «اسلام به اقتصاد اصالت می‌دهد». در نتیجه این ایده را می‌توان مبنایی در حوزه تصویر دینی از عدالت اجتماعی - اقتصادی قلمداد کرد. با وجود این عینک، اساسا بسیاری از مفاهیم به حاشیه رفته و مادی‌سازی بیش از پیش اسلام و اندیشه‌های دینی به جای تبدیل شدن به یک نسخه شفابخش می‌تواند به عنوان یک سم ضدمعنوی در آینده بروز و ظهور کند. تبدیل ساختن «معیشت» به عنوان «شرط دیانت» را نیز می‌توان عصاره این نوع تفکر دانست. این در حالی است که عموما اندیشمندان اسلامی بر همگرایی معاد و معاش دقت نظر داشته‌اند اما اساسا اصول را در پیشگاه دیدگاه «اصالت اقتصاد» ذبح نکرده‌اند.

ادامه در صفحه ۶

دیدگاه

ظرفی که محکوم به شکسته شدن است

حنیف غفاری: تعداد شهدای جنگ غزه از ۴۰ هزار نفر گذشت. ۱۷ هزار نفر از این شهدای مظلوم را کودکان فلسطینی تشکیل می‌دهند؛ همان کودکانی که در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، حق حیات و پیشرفت هر یک از آنها محترم شمرده شده است! آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد به صدور بیانیه‌های تکراری عادت کرده است: نگرانی از ادامه جنگ غزه و محکوم کردن کشتار غیرنظامیان! با این حال دریغ از صدور یک قطعنامه الزام‌آور یا حتی غیرالزام‌آور درباره توقف توحش گوساله‌پرستان سامری. حتی دریغ از قرار گرفتن نام رژیم صهیونیستی در فهرست رسمی ناقضان حقوق کودکان. تنها افتخار گوترش این است که یک بار برخلاف خواسته آمریکا، جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد را با هدف بررسی ابعاد ماجرای بمباران بیمارستان معمدانی تشکیل داد! این گناه آقای دبیرکل به اندازه‌ای نابخشودنی بود که از آن زمان تاکنون، آمریکا سهم سالانه عضویت خود در سازمان ملل را نپرداخته و همین مساله منجر به تعطیلی فعالیت برخی کمیته‌های فرعی این سازمان ظاهرا بین‌المللی شده است. اکنون، زمانی که از گوترش درباره چرایی انفعال و سکوت در برابر کشتار ۴۰ هزار فلسطینی سوال می‌شود، بلافاصله از رشادت(!) بی‌سابقه خود در برگزاری آن جلسه معروف شورای امنیت می‌گوید و حتی نسبت به قدرنشناسی افکار عمومی دنیا نسبت به این حماسه تاریخی(!) ابراز تاسف می‌کند. این همان مستند تلخ انسان و انسانیت در قرن بیست‌ویکم میلادی است. در جهانی که سالانه ده‌ها و بلکه صدها کنفرانس و همایش بین‌المللی با میزبانی کمیسیون تخصصی حقوق بشر اتحادیه اروپایی، آن هم با موضوع حقوق کودک و حقوق بشر برگزار می‌شود، تعداد کودکان شهید بی‌دفاع غزه از ۱۷ هزار نفر عبور می‌کند و خبری هم از بیانیه‌های رنگین و پرطمطراق نیست! هر فردی که در غرب وحشی این آمار را به سیاستمداران و حتی رسانه‌ها یادآور شود، به اتهام یهودستیزی باید در برابر محکمه‌های قرون وسطایی پاسخگو باشد! گردن حقوق بشر با گیوتین فرانسوی قطع شده و مراسم گرامیداشت آن در همان کاخ الیزه برگزار می‌شود!

غرب سردمدار و مدافع حقوق بشری است که در گلوگاه حق وتوی اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد ذبح شود.

ادامه در صفحه ۶

جستاری پیرامون وضعیت سخنوری مسعود پزشکیان

ضعف رتوریک یا گپ خودمانی؟

یادداشت

حامد سرلکی: بسیاری از ما چه در عرصه‌های عمومی و چه حوزه‌های تخصصی به مفهوم «بلاغت و فن سخنوری» و استفاده صحیح از کلمات و عبارات و در نهایت انتقال صحیح مضمون برخورده‌ایم؛ موضوعی که وقتی در بسترهای مهم‌تر بدرستی عرضه شود، قاعدتا اثرات بسیار مطلوبی ایجاد خواهد کرد؛ این در حالی است که وضعیت مغایر با آن قطعا به آسیب‌هایی ختم خواهد شد که گاه سرنوشت یک ملت را تغییر می‌دهد.

به نوعی ریشه‌ای بودن مفهوم بلاغت یا «رتوریک» در انتقال صحیح اهداف به واسطه زبان و ادبیات هر ملتی یکی از ابزارهای اصلی سیاستمداران است. ریشه این تفکر نه در عصر معاصر، بلکه در «عصر باستان» و در میان نوشته‌های ارسطو، فیلسوف یونانی نیز به چشم می‌خورد. مجموعه‌ای معنایی، استفاده صحیح از کلمات و ادای آنان (انتقال مناسب)، فرآیندی است که در میانه فن انشانویسی و ادبیات ایستاده و وقتی در حوزه سیاست و سیاست‌ورزی وارد می‌شود، گاه توانایی ایجاد معجزه‌هایی را دارد که موتور مولد جامعه را روشن کند و در این میان حق و حقوقی را که ملت‌ها بر دولت‌ها داشته‌اند به بهترین شکل پاسبانی کند. از همین رو ارسطو، خطابه و خطابه‌خوانی را قوه ذهنی ارزیابی شیوه‌های اقناعی موجود در هر موقعیتی تعریف می‌کند[1] و قدرت مشاهده و یافتن درست‌ترین شیوه‌های اقناع را لازمه موفقیت خطیب می‌شمارد. حال آنکه خطیب مدنظر ما از جایگاه سخنرانی بالاتر و در کسوت یک «رئیس‌جمهور» خود را نمایان کند، بالطبع خسارات حاصل از نابلدی فرد در امر رتوریک بیشتر از آنکه آثار مستقیم بر سخنران داشته باشد، بازتابی خسارت‌بار در جامعه ایجاد خواهد کرد.

با تمام این تفاسیر وقتی به موارد داخلی فن بلاغت در کشورمان رجوع و آن را در نمونه عینی‌تر آن یعنی رئیس‌جمهور نهم ارزیابی می‌کنیم شاید آن وجه از اصولی که از زمان ارسطو تا امروز درباره آیین سخنوری، سخندانی و سخنرانی به دست ما رسیده در یک شمای کلی کمتر محقق شده است. در این جستار سعی بر آن است که میان «ضعف سخنرانی» یا «گفت‌وگوی خودمانی»، انگاره‌های تئوریک مشخصی را استخراج کنیم.

در ابتدای هفته اخیر و در روز شنبه، زمانی که مسعود پزشکیان، نهمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران پا به صحن مجلس شورای اسلامی گذاشت، عموم مخاطبان این مراسم، درکی از پیش‌تعیین‌شده در ذهن‌شان بازتولید کردند. اینکه آیا رئیس‌جمهور با همان وضعیتی که در جمع مدیران ستادی خود (اولین سخنرانی پس از پیروزی در انتخابات) حاضر شد و خطابه ناقصی را خواند، قرار است در صحن خانه ملت حضور یابد؟ شاید در نگاه اول عبور پزشکیان از متن‌خوانی و ارتباط‌گیری صمیمی با اعضای ستاد خود (یا طرفداران مردمی‌اش) آن هم در مراسم غیررسمی پس از پیروزی انتخابات یک امتیاز مقطعی بود و رها کردن خطابه از پیش نوشته‌شده، نوعی «صمیمیت»، «خاص» یا «بدیع» بودن را نشان می‌داد اما رفته رفته تکرار این رویه در جلسات مهم و اثرگذار و بازنشر وسیع آن در میان افکار عمومی، «صمیمیت» را بدل به یک «ضعف» کرد.

در نمونه عینی‌تر این بدسلیقگی، می‌توان به حضور رئیس‌جمهور در حسینیه امام خمینی(ره) در روز تنفیذ حکم اشاره کرد؛ موضوعی که با تکرار رها ساختن متن از پیش نوشته‌شده و ورود به ساحت بداهه‌گویی غیرمتنی (که خطیب بدون متن و با اشراف و آگاهی کامل بر مساله ادبیات، شبه متنی را به مخاطب القا می‌کند) نتیجه قابل توجهی را به بار نیاورد، جز آنکه شاید آیات و روایاتی را که رئیس‌جمهور پیش‌تر بر آن مسلط بوده نیز از حافظه‌اش پاک کرد. این در حالی بود که با بازخوانی تاریخ در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری ایران شاهد آن بودیم که رؤسای جمهور پیشین همواره سعی داشتند بهترین خطابه خود را در مراسم تنفیذ ارائه دهند و به نوعی آیینه تمام‌نما از دولت آینده خود را در خطابه مشهور مراسم تنفیذ به گوش مردم و جهانیان برسانند. فارغ از موضوع عدم تسلط بر متن نوشته‌شده، کم‌حوصلگی پزشکیان برای ادای عبارات و کلمات این پرسش را در اذهان عمومی مطرح ساخته که «چرا رئیس‌جمهور باید در مهم‌ترین بزنگاه و مقطع سیاسی فعالیتش دچار کم‌حوصلگی باشد؟» تزریق غیرعادی «صمیمیت تصنعی» در جلسات کاملا رسمی، جز تنزل دادن جایگاه شخص سخنران، برای میهمانان توهین و برای صاحبان آن جلسه یک تشکیک بزرگ به بار می‌آورد؛ شاید ریشه این نوع از کم‌حوصلگی به باور برخی کارشناسان، «سن رئیس‌جمهور» است اما این بهانه با مطالعه نمونه‌های داخلی و خارجی باطل خواهد شد و برعکس این گزاره، سن بالای سیاستمداران به آنان پختگی و طمأنینه و در نهایت اشراف بر سخنرانی را عرضه می‌کند.

اما این موضوع تنها به مراسم تنفیذ و بعدتر تحلیف معطوف نبود. عدم مطالعه و تسلط بر متن‌ها از سویی و ضعف در ارتباط‌گیری با مخاطبان از سوی دیگر، وضعیتی بوده که در جلسه معرفی کابینه به مجلس نیز مشاهده شد. شاید از منظر کلی، حضور مشاوران حوزه‌های مختلف برای نگارش متن‌های راهبردی یک شکل از امر سیاست‌ورزی در عصر معاصر است و در بسیاری از نقاط مختلف جهان این موضوع «ازپیش‌حل‌شده» تعبیر می‌شود اما «آیا اساسا مشاوران نباید نسبت به توانمندی سخنران آگاهی داشته باشند و آیا سخنران نباید نسبت به زحمات تیم مشاوران خود واقف باشد؟»

شاید آخرین نسل از سیاستمداران جهان که بدون استفاده از مشاوران دست به قلم برده و متن‌های سخنرانی‌های مهم و تأثیرگذاری را در تاریخ ثبت کرده‌اند، در زمان حال به ندرت حضور دارند اما کسی در عصر فعلی نه با حضور مشاوران متن‌نویس مشکلی داشته نه با استفاده از قوه مشاوره، مساله اصلی عدم درک جایگاهی است که سخنران در آن حضور دارد. به نوعی وقتی سرنوشت ملت‌ها در دست سیاستمداران است، این وضع از ارائه و این حجم از اعوجاج کلامی تا چه حدی جای توجیه دارد؟ وضعیتی که در سخنرانی اخیر رئیس‌جمهور به اوج خود رسیده بود به نحوی که - سخنرانی نیمه کاره (بدون ورود به موضوع دفاع از وزرا)، حرف‌های تکراری، دایره لغات محدودتر، استفاده از استعاره و کلام تشبیهی زائد و در نهایت عدم انسجام جمله‌بندی‌ها - وضعیت ناامیدکننده‌ای را به مخاطبان القا کرد. لذا در این وضعیت رئیس‌جمهور و مشاوران ایشان باید به عمق اهمیت موضوع «رتوریک» و تأثیرگذاری آن در عرصه داخلی و خارجی پی ببرند و این فرآیند مشوش را از نو اصلاح کنند. البته اگر سیاسی‌کاری و استاندارد دوگانه برخی رسانه‌ها در قبال رئیس‌جمهور شهید (در دوره حضور و سخنرانی ایشان) و امروز رئیس‌جمهور فعلی اجازه دهد و اشکالات آشکار رئیس‌جمهور در سخنرانی به «گفت‌وگوی خودمانی» و «حمایت‌های کاذب» بدل نشود.

پی نوشت

۱- دیکسون، پیتر، (۱۳۸۹)، خطابه، ترجمه حسن افشار. تهران: نشر مرکز

تجارت همسایگی و معمای رشد ۸ درصد

گزارش

سهیل فضلی*: رشد ۸ درصدی اقتصادی هم برای خودش معمایی شده؛ برخی رویای محالش می‌خوانند و گروهی از کارشناسان معتقدند شدنی است. این میزان از رشد اقتصادی، هدفی کمی است که در برنامه هفتم توسعه بر تحقق آن (به‌طور میانگین و در ۵ سال اجرای برنامه) تاکید شده است. دولت سیزدهم هرچند به رشد ۸ درصدی دست نیافت اما توانست گام‌های بلندی را در مسیر تحقق این هدف بردارد. میانگین رشد اقتصادی ۰,۹ درصد دهه ۱۳۹۰ در ۳ ساله دولت سیزدهم به حدود ۵,۵ درصد افزایش یافت. کارشناسان معتقدند مسیر افزایش رشد اقتصادی، برای دولت چهاردهم نیز باز است. اما چگونه؟! یکی از عواملی که هم در سیاست‌های کلی برنامه هفتم و هم در لایحه این برنامه مورد اشاره قرار گرفته، استفاده از ظرفیت تجارت خارجی برای تحقق رشد ۸ درصدی است. اگرچه تجارت همسایگی به تنهایی نمی‌تواند رشد ۸ درصدی را رقم بزند اما حتما می‌تواند دست دولت را در این مسیر دشوار اما ممکن بگیرد.

■ **تأکید برنامه هفتم**

به طور خلاصه یکی از موضوعاتی که در سیاست کلی برنامه هفتم توسعه مورد تاکید قرار گرفته استفاده از ظرفیت دیپلماسی اقتصادی است. همچنین تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای با اولویت قرار دادن همسایگان مورد تاکید این سند بالادستی است. وزارت امور خارجه، سازمان توسعه تجارت ایران (وابسته به وزارت صمت) و اتاق‌های بازرگانی از جمله ارگان‌هایی هستند که بر اساس این قانون مکلف شده‌اند اقدامات لازم را برای بهبود تجارت خارجی انجام دهند. استفاده از ظرفیت موافقتنامه‌های تجارت آزاد، سازمان‌های بین‌المللی همچون شانگهای، کنسرسیوم‌های صادراتی، سهولت در اعطای ویزا به بازرگانان و کمک به توسعه سواحل مکران از جمله اقداماتی است که در این سند دیده شده است. آنچه مورد تاکید خود این سند است استفاده از ظرفیت تجارت با همسایگان و تجارت با کشورهای همسو است. بدین ترتیب برنامه هفتم توسعه نیز برای تحقق رشد ۸ درصدی نگاهی به ظرفیت تجارت با کشورهای همسایه داشته و ارگان‌های متعددی را به بهره‌گیری از این ظرفیت فراخوانده است.

■ **میراث تجاری دولت سیزدهم**

یکی از نقاط عطف عملکرد دولت سیزدهم رشد تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشور همسایه بوده است. علاوه بر آنکه مجموع تجارت با ۱۵ کشور همسایه رشد بالایی را تجربه کرد تجارت با هر یک از همسایگان نیز به طور جداگانه رشدهای مثبت و متوالی را شاهد بود. آنچه مشخص است تمایل دولت سیزدهم و رویکرد سیاست همسایگی در این دولت است. به این ترتیب توجه به ظرفیت خالی تجارت با همسایگان توانست نقش مهمی در بهبود عملکرد تجارت خارجی ایران در دوران این دولت ایفا کند. با این حال رویکردها و اقدامات این دولت می‌تواند میراث خوبی برای دولت چهاردهم باشد. امضای موافقتنامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیا از این قبیل است. جمعیتی بالغ بر ۱۸۰ میلیون نفر بازار خوبی برای محصولات ایرانی است، همچنین سهم بسزایی در واردات و صادرات در تجارت جهانی بر عهده دارد. بدین ترتیب ظرفیت کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا از جمله فرصت‌های پیش روی دولت برای توسعه تجارت خارجی است.

■ **ابزار کریدورهای تجاری**

کریدورهای تجاری یکی از مهم‌ترین ابزارهای کشور است. موقعیت جغرافیایی ایران مزیت متناسبی را در اختیار کشور قرار داده که می‌تواند حلقه اتصال همسایگان با مناطق هدف آنها باشد. علاوه بر آنکه کشور می‌تواند با ایفای نقش ترانزیتی از محل درآمدهای تعرفه‌ای و مالیاتی درآمد قابل توجهی را کسب و با ایجاد زیرساخت‌های مناسب روابط تجاری با همسایگان و حتی کشورهایی فراتر از مرزهای کشور برقرار کند. در دولت سیزدهم اقداماتی در قالب کریدورهای شمال - جنوب، کریدور ارس و مسیر ترانزیتی موافقتنامه عشق‌آباد از آسیای میانه تا خلیج فارس صورت گرفت اما همچنان به سرانجام نرسیده و دولت چهاردهم می‌تواند از این بذرها استفاده کافی را ببرد.

ادامه در صفحه ۶